



دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماکو

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته ی: حقوق

گرایش حقوق خصوصی

عنوان:

اهلیت اشخاص حقوقی در وقف از نظر فقه و حقوق مدنی

استاد راهنما: خانم دکتر مژگان میرنجفی

نگارش: رضا غیبی

شهریور ۱۳۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

روح مادرم زیباترین واژه من، مادری که در تمام لحظات سخت زندگی یار و یاورم بودی.

روح پدرم اسطوره زندگی ام، پدرم به خاطر تمام فداکاری هایت، و عشق و محبتت، که ذره ذره وجودم را

سیراب می کند.

سپاسگزاری

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

بر خود لازم می دانم از همه عزیزانی که در طول انجام این تحقیق مشارکت فعال و ارزشمند داشته اند و کسانی که به نوعی مرا یاری نموده اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم و آرزوی توفیق الهی و بهروزی را برای آنان خواستار باشم.

از محضر استاد راهنمای ارجمندم، استاد فرهیخته علم حقوق، سرکارخانم دکتر مژگان میرنجفی که در انجام این

پایان نامه از هیچ کمکی دریغ نرزدند صمیمانه تشکر و قدر دانی می نمایم

فهرست مطالب

۱	چکیده.....
۲	مقدمه.....
۴	بیان مسئله.....
۹	سوالات تحقیق.....
۹	فرضیات تحقیق.....
۱۰	بررسی منابع.....
۱۶	روش تحقیق.....
۱۷	نتایج مورد انتظار.....
۱۸	معیار ارزیابی موفقیت تحقیق.....
۱۹	فصل اول: کلیات.....
۲۰	۱-۱) تعریف اهلیت.....
۲۰	۱-۱-۱) انواع اهلیت.....
۲۰	۱-۱-۱-۱) اهلیت تمتع.....

- ۲۰..... ۲-۱-۱-۱ اهلیت استیفا.
- ۲۱..... ۳-۱-۱ تولد و پایان اهلیت.
- ۲۲..... ۲-۱ شخصیت و اقسام ان.
- ۲۲..... ۱-۲-۱ اقسام اشخاص.
- ۲۲..... ۱-۱-۲-۱ شخص حقیقی.
- ۲۳..... ۲-۱-۲-۱ شخص حقوقی.
- ۲۳..... ۱-۲-۱-۲-۱ آغاز و پایان شخص حقوقی.
- ۲۴..... ۲-۲-۱-۲-۱ نام.
- ۲۴..... ۳-۲-۱-۲-۱ اقامتگاه.
- ۲۴..... ۴-۲-۱-۲-۱ تابعیت.
- ۲۴..... ۵-۲-۱-۲-۱ حقوق و تکالیف.
- ۲۵..... ۳-۱ وقف و اقسام ان.
- ۲۵..... ۱-۳-۱ وقف.
- ۲۶..... ۲-۳-۱ اقسام وقف.
- ۲۷..... ۴-۱ بررسی سیر تاریخی وقف در جوامع اسلام.

فصل دوم: مبانی و ماهیت فقهی حقوقی وقف از سوی اشخاص حقوقی.....۲۸

۱-۲) مبانی فقهی حقوقی وقف از سوی اشخاص حقوقی.....۲۹

۱-۱-۲) مبانی فقهی وقف از سوی اشخاص حقوقی.....۲۹

۲-۱-۲) مبانی حقوقی وقف از سوی اشخاص حقوقی.....۳۳

۲-۲) شخص حقوقی در فقه.....۳۵

۳-۲) شخص حقوقی در حقوق ایران.....۳۶

۴-۲) ماهیت فقهی حقوقی وقف از سوی اشخاص حقوقی.....۳۷

۱-۴-۲) ماهیت فقهی وقف از سوی اشخاص حقوقی.....۳۷

۱-۱-۴-۲) عقد یا ایقاع بودن وقف از منظر فقه.....۳۷

۲-۱-۴-۲) معامله و یا عبادت بودن وقف از منظر فقه.....۴۲

۲-۴-۲) ماهیت حقوقی وقف از سوی اشخاص حقوقی.....۴۴

۱-۲-۴-۲) عقد یا ایقاع بودن وقف از منظر حقوق.....۴۵

۲-۲-۴-۲) معامله و یا عبادت بودن وقف از منظر حقوق.....۴۷

فصل سوم آثار فقهی حقوقی وقف از سوی اشخاص حقوقی.....۴۹

- ۳-۱) خروج مال موقوفه از ملکیت واقف..... ۵۰
- ۳-۲) عدم عودت وقف به واقف..... ۵۲
- ۳-۳) تعذر صرف منافع اموال موقوفه..... ۵۴
- ۳-۴) فروش اموال موقوفه..... ۵۷
- ۳-۵) موارد جواز بیع مال موقوفه..... ۵۹
- ۳-۶) بررسی بیع عین موقوفه..... ۶۵
- فصل چهارم بررسی شرایط وقف از سوی اشخاص حقوقی..... ۷۲
- ۴-۱) شرایط وقف از سوی اشخاص حقوقی..... ۷۳
- ۴-۱-۱) اهلیت استیفاء..... ۷۳
- ۴-۱-۲) مالکیت واقف..... ۷۴
- ۴-۱-۳) اشخاص حقوقی دارای ماهیت عمومی..... ۷۵
- ۴-۲-۱) اشخاص حقوقی دارای ماهیت خصوصی..... ۷۸
- ۴-۳-۱) مشروعیت جهت وقف..... ۷۹
- ۴-۲) مصادیق اموال موقوفه در ایران (مدارس مساجد دانشگاه آزاد)..... ۸۱

نتیجه گیری..... ۱۰۱

منابع..... ۱۲۱

چکیده

درباره اختیارات و تکالیف شخص حقوقی پرسش‌ها و ابهامات فراوانی وجود دارد یکی از این پرسش‌ها در خصوص مبانی اعتبار و مشروعیت انجام عمل حقوقی «وقف» از سوی اشخاص حقوقی است. انعقاد عقد وقف، متوقف بر شرایطی چون داشتن اهلیت قانونی و معامله ای واقف، مالک عین موقوفه بودن، موجود بودن، معین بودن و اهلیت تملک داشتن موقوف علیه است، با توجه به این که اشخاص حقوقی از اعمال حقوقی فراتر از چارچوب اساسنامه ناتوان هستند با رعایت چه موازینی می‌توانند عمل حقوقی انجام دهند. اشخاص حقوقی از همه ی حقوق اشخاص حقیقی برخوردارند، مگر حقوقی که به اشخاص حقیقی اختصاص دارد لذا بررسی شمولیت ادله وقف بر اشخاص حقوقی از یک طرف و بررسی اختیارات و تکالیف اساسنامه ای اشخاص حقوقی برای انجام «وقف» از طرف دیگر، موضوع بررسی تحقیق حاضر می باشد.

واژگان کلیدی: اهلیت ، شخص ، شخص حقوقی ، وقف ، فقه ، حقوق مدنی

مقدمه

وقتی از شخص صحبت می شود چیزی که به ذهن می رسد اینست یک فرد انسانی عملی انجام داده یا ترک نموده است. موضوع صحبت فردی از افراد جامعه می باشد زیرا افراد انسان هستند که در جامعه زندگی میکنند و به فعالیت های متعدد می پردازند. لیکن امروزه این فعالیت صرفا مخصوص افراد انسان نیست بلکه اشخاص دیگری هم به حکم قانون می توانند این اعمال را انجام دهند که به آنها اشخاص حقوقی گفته میشود.

آنچه در این تحقیق به دنبال آن هستیم بیان مبانی اعتبار و مشروعیت وقف از سوی شخص حقوقی و بر شخصیت حقوقی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی می باشد همچنین از آنجا که انعقاد عقد وقف متوقف بر برخی شرایط مثل مالکیت واقف و قصد قربت و ... می باشد مباحثی مثل اهلیت متمتع و اهلیت استیفاء شخصیت حقوقی و شرطیت قصد قربت و یا چگونگی وقوع آن (قصد قربت) در انجام اینگونه اعمال عبادی توسط اشخاص حقوقی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

نکته دیگر اینکه ماده ۵۸۸ قانون تجارت شخصیت حقوقی را دارای کلیه حقوق و تکالیف اشخاص حقیقی می داند مگر حقوق و وظایفی را که مخصوص اشخاص حقیقی است: مانند ابوت و نبوت روشن است که ماده

در مقام جعل اصولی یا به عبارت دقیق‌تر حق تمتع است و از این رو شبیه مواد ۹۵۶ به بعد قانون مدنی است. از

این رو در متن ماده تصویب نموده است که شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق گردد. کما اینکه در

ماده ۹۵۸ ق.م.تصریح می‌نماید که حق تمتع تلازمی با حق استیفا ندارد و انسان برای اجرای حقوق خود (حق

استیفا) باید اهلیت قانونی داشته باشد نقطه دوم آن است که برای آشنایان به علم حقوق روشن است که منبع

اهلیت اشخاص حقوقی اساسنامه آنان است.

لازم به ذکر است که اشخاص حقوقی یکی از مباحث جدید می‌باشد که ما در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت

و نیز از مصادیق این وقف (وقف دانشگاه آزاد، مدارس، مساجد) را نیز بررسی خواهیم کرد.

بیان م سألہ ۱ ساسی تحقیق به طور کلی (شامل ت شریح م سألہ و معرفی آن، بیان جنبه‌های

مجهول و مبهم، متغیرهای مربوطه و منظور تحقیق):

امروزه جامعه ی بشری در سایه سار علوم و فنون ، پیشرفت چشمگیری یافته است .

در کشور ما نیز علم حقوق جایگاه رفیعی داشته و جزء علوم برجسته محسوب می گردد که سابقه ی مباحث آن در دو حوزه ی فقه و حقوق قابل تحقیق و مطالعه است . البته به مدد مجاهدت و اهتمام پیشگامان علم حقوق نوین و نیز رهروان راستین و متعهد آنان ، تلفیقی معقول بین مبانی نظری این دو حوزه ایجاد شده که قوانین موضوعه ی فعلی به نوعی ماحصل و برآیند همین التقاء فکریست .

این امر داعیه ای شد تا مانیز کاوش علمی خود را با رویکردی دوجانبه ، هم از منظر فقه و هم حقوق سمت و سو بخشیم . لیکن جهت احتراز از هرگونه قلم فرسائی بیهوده در طرح مباحث کلیشه ای ، بعد از جستجوی اجمالی در صدد انتخاب موضوعی بدیع برآمدیم که در عین تازگی ، قابلیت تلبس عنوانی برای پایان نامه را داشته باشد . بر همین اساس ، عنوان اهلیت اشخاص حقوقی در وقف را از منظر فقه و حقوق مدنی برای رساله ی خویش برگزیدیم . به طوری که اطلاع داریم ، مبحث اشخاص یکی از پُرگفتمان ترین مباحث در حقوق به شمار می رود . در واقع توسعه ی روابط اجتماعی موجب گشت تا شخص به عنوان تنها نهاد حقوقی واجد حق و تکلیف و اهلیت ، وجهه ی تک ساحتی خود را گسسته و در دو صور ناهمگون یعنی شخص حقیقی و شخص حقوقی مُتجلی گردد .

دکتر سید حسن امامی در خصوص این مفاهیم اظهار می دارند : در اصطلاح علم حقوق ، شخص بر کسی گفته

می شود که بتواند دارای حق گردد و عهده دار تکلیف شود و بتواند آنرا اجرا نماید. سپس ادامه می دهند؛ شخص بر دو قسم است. نخست، شخص طبیعی که آنرا شخص حقیقی و عادی نیز گویند و دیگری شخص حقوقی که آنرا اخلاقی نیز نامند. (امامی، ۱۳۸۳)

بنابراین می توان گفت که در ادبیات حقوقی برای شخص دو مفهوم علیحده مفروض است. یک سمت آن انسان (شخص حقیقی) قرار دارد اما در سوی دیگر مفهومی است که موجودیت آن زاده ی نیاز و همانا اعتبار (منظور از اعتبار در اینجا همان دید فکر و لحاظ عقلی است « لغت نامه ی دهخدا و دکتر معین، چ اول، ذیل واژه ی اعتبار») و خلاقیت فکر بشر است. اما دکتر لنگرودی شخص حقوقی را چنین معرفی می نماید: عبارت است از گروهی از افراد انسان یا منفعتی از منافع عمومی که قوانین موضوعه آنرا در حکم شخص طبیعی و موضوع حقوق و تکالیف قرار داده باشد مانند شرکت تجاری، انجمنی، و دولت و شهرداری و مواردی از این قبیل. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴)

همانطور که ملاحظه می گردد با وجود تعدد وجوه افتراق بین این دو معرف (شخص حقیقی و حقوقی) در یک نکته وجه اشتراک دارند که همانا داشتن اهلیت (و حق و تکلیف) است.

دکتر حسین صفایی در تعریفی قصیر اهلیت را چنین می شناساند: توانایی و شایستگی شخص برای دارا شدن و اجرای حق و تکلیف است. (صفایی، ۱۳۸۰)

فی الواقع می توان مدعی شد که وجود اشخاص حقوقی از استلزامات جوامع امروزی و به تعبیری جزء لاینفک اجتماعات کنونیست. در حال حاضر کثرت مصادیق اشخاص حقوقی همچون دولت ها، احزاب،

شرکتها و مؤسسات و سایر موارد معتنا به بوده و با توجه به وسع و بسط روابط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و موارد مشابه انتظار می رود تا عداد آنها بیش از این فزونی یابد. همین امر لزوم رویکرد به این بنیادهای حقوقی را اقتضاء می دارد. لیکن ما در این کندوکاو علمی، به طور واضح در پی استجواب یک سؤال اساسی می باشیم و آن اینکه اهلیت شخص حقوقی در وقف چگونه تبیین می گردد و اصلاً شخص حقوقی اهلیت انعقاد عقد وقف را دارد؟ این پرسش در ظاهر متلبس به جامعی ساده و بی آرایش است. لیکن غور و اندیشه ای ژرف لازم است تا سیرت واقعی آن مبرهن گشته و بتوان کالبد پر هیبت و ملون آن را متبصر بود. این ادعا به هیچ وجه اغراق و خودفریبی نیست زیرا همانطور که قبلاً نیز مذکور گشت موضوع منتخب در این پژوهش را هم از دیدگاه فقهی و هم حقوقی مورد تحقیق و تفحص قرار خواهیم داد. همین دلیل کافیسست تا پرسش اصلی ما شاخ و برگ بسیاری یافته و ما را ناگزیر دارد تا با وسع دایره ی پژوهش خود، در زوایای متعددی به مطالعه بپردازیم. از سوی دیگر وقف نیز که از دیگر ارکان تحقیق ما به شمار می رود، عقد منحصر و متفاوتی است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷)

همانگونه که می دانیم عقد وقف از عقود معین محسوب می گردد. اما علیرغم این، وجوه تمایز فراوانی با عقود دیگر دارد و نمود بارز این امر هدف و غایت وقف است که غالباً کسب تقرب الهی است. طبق ماده ی ۵۵ ق. م « وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود ». بنابراین برخلاف عقود معاوضی، نه تنها واقف در پی کسب منفعتی نیست، بلکه هدفش منتفع ساختن دیگران است تا بدین طریق رضایت خداوند جلب گردد. با تجمیع مواردی که مذکور گشت و به نوعی مقدمه ای مفصل را فراهم نمود، اگر سؤال خود را مجدداً مرور نمائیم دیگر دچار تساهل و ساده انگاری نخستین نخواهیم شد و با تأمل بیشتری

بر پیچیدگی های مسئله موقوف خواهیم گشت . در اینجاست که سؤالات دیگری نیز در ذهن پدیدار می گردد
فی المثل ؛ با توجه به تمام شرایط ویژه ای که عقد وقف چه در فقه و چه در قانون به لحاظ قصد در انعقاد ،
جهت و هدف عقد و نیز شرایط عین موقوفه و یا حتی دوام عقد دارد ، آیا شخص حقوقی اهلیت لازم جهت
انعقاد آن را دارد ؟ یا با مدّاقه در مباحث متعدّدی که در ارتباط با اراده ی شخص حقوقی جهت انجام و قوام
عمل حقوقی مطرح است آیا در عقد وقف و انعقاد آن (که احکام و شرایط خاصی دارد) نیز چنین اراده ای در
عالم اعتبار حاصل می شود ؟ و سؤال بنائی اینکه با عنایت به تشّت نظریات مطرح در فقه نسبت به اثبات یا
عدم اثبات شخص حقوقی ، آیا اهلیت آن نیز جهت انعقاد عقد وقف در دیدگاه فقها مسبوق به پیشینه است ؟
چنین اشتغالاتی ما را به این منہاج رهنمون می سازد تا بدو در فصلی علیحده ، شخص حقوقی را از جهت
تعاریف ، ماهیت ، ویژگیها و اوصاف مورد تدقیق قرار دهیم و حتی گریزی به مباحث فقهی زده و تتبع خود را
مَعطوف بر مستندات و مدارکی که دالّ بر وجود و احراز شخص حقوقی در فقه می باشد ، نمائیم . چرا که در
فرض عدم احراز شخص حقوقی در منظر فقهی ، کاوش ما حداقل در حیطه ی فقه عقیم و بی ثمر خواهد ماند.
اما شاید جواب سؤال اخیر به نوعی در خود عقد وقف مستور می باشد . زیرا در مقابل کسانی که وجود شخص
حقوقی را در فقه مورد تشکیک قرار می دهند و مُنکر آن می باشند ، از جمله دلائلی که برای احراز آن اقامه می
گردد ، عقد وقف و مال موقوفه می باشد . قائلین بر این نظر ، معتقدند در فقه برای مال موقوفه شخصیتی
مستقل ترسیم گشته که تطابق عمده ای با مبانی نظری مربوط به شخص حقوقی در حقوق نوین دارد و مستند
بر همین استدلالها وجود شخص حقوقی را در منظر فقه امامیه ثابت شده می دانند . (ابهری علی آبادی ، حمید
؛ رضیان ، عبدالله ، ش ۸۶ ، ص ۱۳ و ۱۴) از این روی سزاوار است که در فصلی مُجزا به

بررسی دقیق عقد وقف پرداخته و عقد مزبور را از جهت شرایط و احکام و بالأخص مال موقوفه مورد امان قرار دهیم. علاوه بر جهت اخیرالذکر از آن باب که این عقد به نوعی نقطه ی ثقل پژوهش حاضر محسوب می گردد و مباحث ما دائر بر مدار آن تجمیع و انسجام می یابند، شایسته ی چنین رویکرد و توجّهی است. گذشته از آن بازشناسی مفهوم اهلیت و بررسی انواع آن دیگر هدف ما در این مسیر علمی خواهد بود. خصوصاً چگونگی تعلق و اتّصاف این صفت بر اشخاص حقوقی از منظر فقه و حقوق را مورد کنکاش قرار خواهیم داد. لیکن اخذ نتیجه از مباحث نعت شده در طی تحقیق، به فصل آخر موکول خواهد شد. (صفار، ۱۳۷۳)

نهایتاً این مطلب قابل ذکر است که در عصر حاضر تزاید اشخاص حقوقی، سبب شده تا بسیاری از آغیا و صاحبان سرمایه و تولید فعالیت‌های خود را در قالب این تأسیسات حقوقی انجام داده و قسمت کلانی از دارائی و تمکّن خود را در این نهادها سرمایه گذاری نمایند. طبعاً تصور اینکه این اشخاص حقوقی که به نوعی بازیگران قهار و اصلی در عرصه های تجارت و اقتصاد می باشند، تحت ترغیب حسّ نوعدوستی و دگرخواهی اعضای خود نیل به امور خیر نمایند، چندان بعید و دور از ذهن نیست، بنابراین عقد وقف یکی از طرّقی است که می تواند ایشان را به این هدف واصل سازد. پُر واضح است که بررسی نظری موضوعاتی چنین، می تواند فایده های عملی بسیاری داشته باشد و علاوه بر اینکه آگاهی ما را نسبت به این مسائل مُستحدّثه وُسع می بخشد ضمناً زمینه ی ترویج سنّت حسّنه ی وقف را در بین اشخاص حقوقی مهیا می سازد. مع الأسف تغافل در این خصوص حداقل از جهت تحقیق و مطالعه کاملاً مشهود است چرا که موضوعی با عنوان مذکور در این رساله یا عناوین مشابه در قاب تألیف و تحقیق کمتر به چشم می خورد. (ستوده تهرانی، ۱۳۷۵)

علی ایحال لازم است جهت دستیازی به اهداف مشروح تأمل و تفکر خود را در منابع معتبر فقهی و حقوقی متمرکز نموده و ضمن تتبع و تفحص در آنها، ذهن خود را به مدد تعقل در نظریات اساتید بزرگوار و فحول فقه و حقوق تشحیذ نمائیم تا معالاً با اتکاء بر دلایل و مستندات مُتَمَنّ، سوالات مطروح را به درستی جواب گفته و فراخور اطافه و بضاعت خویش تحقیقی اُکمل و مفید فراهم آوریم تا ختم الأمر نتایجی استفصاض گردد که هم از منظر فقهی و هم حقوقی قابل تصدیق و تأیید باشد. إنشالله

ج) سوالات تحقیق

۱- وضعیت شخص حقوقی در فقه امامیه مسبق به پیشینه است؟

۲- در صورت اثبات وجود اشخاص حقوقی در فقه، اهلیت این اشخاص در دیدگاه فقها به چه شکل تبیین شده و حدود و جوانب آن چگونه ترسیم گشته است؟

۳- نسبت به ماهیت اشخاص حقوقی و نیز اهلیت آنها در دیدگاه فقه و حقوق همسانی و موافقت وجود دارد یا خیر؟

د) فرضیات تحقیق

۱- با توجه به وجود نهادهایی همچون وقف به نظر می رسد شخص حقوقی در فقه مسبق به سابقه است

۲- با وجود احراز شخص حقوقی در فقه به نظر می رسد حدود اهلیت ملحوظ در فقه برای این اشخاص با

حقوق کنونی تطابق زیادی نداشته و محدود به امور خاصی باشد .

۳ - با لحاظ تغییر دیدگاه فقه و حقوق موضوعه نسبت به ماهیت اشخاص حقوقی و نیز اهلیت آنها به نظر می رسد اهلیت این اشخاص در وقف منحصر به حقوق کنونی است و در فقه چنین اهلیتی برای اشخاص حقوقی متصور نمی باشد .

ه) بررسی منابع

به طوری که بیان گشت موضوع انتخابی ما از بداعت و تازگی برخوردار است که البته این امر اصولاً از استلزامات عنوان هر پایان نامه به شمار می رود . فقدان رساله ای در این باب در سایت مربوطه دلیلی است بر این مدعا . با این حال در جستجویی که در فضای مجازی و نیز در عناوین پایان نامه های حقوقی داشتیم به مواردی برخورد کردیم . من جمله مقاله ای که به اختصار م شروعیت وقف اشخاص حقوقی را مورد بررسی قرار داده بود که ذیلاً اشاره ای به آن خواهیم داشت . برخی از مقالات نیز در ارتباط با مبحث اهلیت اشخاص حقوقی بودند لیکن غالباً این امر را از نقطه نظر قانون تجارت مورد پایش قرار داده و عموماً بر شرکتهای تجاری توجه داشتند . اما سایر مقالات و تحقیقات عمدتاً مرتبط با ارکان تحقیق ما بودند و مفاهیمی چون شخص حقوقی ، شخصیت حقوقی وقف ، اهلیت و نیز مواردی مانند احراز شخص حقوقی در فقه و شخصیت حقوقی وقف را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده بودند . علی ای حال ایجازاً به بررسی چند مورد از آنها اکتفاء می نمایم

:

۱ - خانم صدیقه محمدی، کارشناس ارشد حقوق در مقاله ای با عنوان اهلیت اشخاص حقوقی در وقف که در پایگاه اطلاع رسانی سازمان اوقاف و امور خیریه ی استان سیستان و بلوچستان انتشار یافته به مسئله ی مشروعیت وقف اشخاص حقوقی می پردازند. در این مقاله مبانی اعتبار و مشروعیت وقف شخص حقوقی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی بررسی شده و سعی گشته است تا ادله ای که بر اعتبار عمل حقوقی « شخص حقوقی » دلالت دارد مورد مذاقه قرار گیرد. خانم محمدی در این مقاله معنای واژه ی شخصیت و اقسام آن، تعریف وقف و شرایط وقف و واقف و سپس مبانی فقهی و حقوقی وقف به وسیله ی شخص حقوقی را بیان و همچنین شرایط وقف از سوی شخص حقوقی را توضیح می دهد. نهایتاً در نتیجه گیری از مطالب خود اظهار می دارند: شخص حقوقی بر اساس ماده ی ۵۸۸ قانون تجارت می تواند همه ی حقوق و تکالیفی را داشته باشد که قانون برای افراد قائل است، مگر حقوق و وظایفی که به طور طبیعی فقط انسان می تواند آن را داشته باشد. ایشان در خصوص موجودیت شخص حقوقی در فقه می نویسند: در منابع فقهی به صورت منسجم و امروزی به بحث شخص حقوقی پرداخته نشده است اما وجود شخص از ابتدا پذیرفته شده است و نهادهایی همچون ولایت امر و بیت المال از جمله مصادیق شخص حقوقی مورد تأیید اسلام است. و نهایتاً در ارتباط با مشروعیت وقف شخص حقوقی به این نتیجه می رسد: بحث اصلی، امکان واقف واقع شدن شخص حقوقی بود؛ شخص حقوقی به شرطی که شرایط صحّت وقف را داشته باشد، به چند دلیل توانائی انجام دادن عمل حقوقی وقف را دارد:

اولاً - روایات وارده درباره ی اطلاق ادله ی وقف، شامل شخص حقیقی و حقوقی می شود.

ثانیاً - ماده ی ۵۸۸ قانون تجارت نیز این حق را برای شخص حقوقی ثابت می داند.